

# جناب زائر حاجی محمد رضای ہمدانی

## علیہ بہاء اللہ الابہی

حضرت عبدالہاء

نسخہ اصل فارسی



# جناب زائر حاجی محمد رضای ہمدانی علیہ بہاء

## اللہ الابہی

ہو اللہ

ای زائر ارض مقدس، هزاران ہزار اسرائیل باین اقلیم جلیل شتافتند تا بہرہ و نصیب از فیض حضرت قدیر برند. بادیه‌ها پیودند تا بسر منزل مقصود رسیدند. ولی جز در و دیوار چیزی ندیدند. ایامی زیستند و گریستند و ناله و فغان نمودند و در دریای احزان غریق گشتند نومید شدند و خویشرا بآیندہ نوید دادند. باری دو ہزار سال است کہ چنین می‌رود و نہایت آمال تجدید معبد سلیمانست کہ پسی دیوار ویران او ناله و ندبہ مینمایند و گریہ و نوحہ میکنند و مویہ و زاری مینمایند کہ این دیوار کی پایدار گردد و حال آنکہ این سنگ و گلست نہ جان و دل باید قدس الاقداسرا در جہان جان و دل تأسیس نمود. آب و گل چہ اہمیتی دارد اندکی دقت نمائید این کون نامتناہی ہزاران ہزار امثال این بنیان را دیدہ و جمیع بمرور دہور بی نام و نشان گشتہ ولکن قدس الاقداس دل و جان باقی و برقرار در فکر آن باید بود. بلی این مواقع محترمست و شایان و سزاوار زیارت و تبرک بآن زیرا این آب و گل آثار آن جان و دل و دلیل بر آن ولی جمیع از آن آیت ہدی و موبت کبری غافل و کلّ دلہستہ بآب و گلند جسم را می‌پرستند و از روح بیخبرند، معتکف بزجاجند و منحرف از سراج، از مغز بی بہرہ‌اند پوست را می‌پرستند.



ORIGINAL



AUDIO

اما من نیز آهنگ زیارت آن مواقع مقدّسه دارم تا رائحه معطره انبیای بنی اسرائیل را از آن آثار  
استشمام نمایم و ایّامی را بیاد آن بزرگواران گذرانم ولی ملتفت و متوجّه آن جانهای پاکم نه جسمهای  
خاک زیرا آن جانهای پاک از حیّز غیب نور می افشانند. و این جسمهای خاک دلالت بر آن جانهای  
پاک میکنند. جمیع احبّای بهائیانرا از قبل من فرداً فرداً تحیّت ابدع ابهی ابلاغ دار بجان همه را مشتاق  
و شکوه از فراق مینمایم. و علیکم البهاء الابهی ۱۰ ربيع الأول ۱۳۳۸ ع

